

جام زرین حسلو (۲)

نوشته

پوران دیبا (بزبان فرانسه)

برگرداننده

دکتر انوشیروان وکیلی

۴- مسئله منشأ تصاویر جام

در حال حاضر، ما از فرهنگ قومی که جام زرین حسنلو بدان تعلق داشته هیچ چیز نمیدانیم. معذالك، معتقدات آن قوم هرچه بوده، بنظر می آید که صحنه های نقش شده بر روی جام مبین یکنوع اظهار مطلب از راه علائم (سمبلیسم) است - نظیر صحنه های نقاشی درون کلیساها جهت روشن کردن ذهن مومنین مسیحی ولی با طرح هایی بمراتب ساده تر و تجریدی تر از آنها - که خطوط اصلی معتقدات مزبور را، آنهم بطور خلاصه، ارائه داده باشد.

آنچه نهایت اهمیت و لزوم را دارد اینست که - در عین کوشش برای مجزا ساختن قسمت تقلیدی از قسمت اصیل محلی که در ایجاد این صحنه شرکت داشته است - معنای واقعی و منشأ مطلبی را که از راه علائم بیان گردیده کشف نمائیم.

آثار باستانی خاورمیانه قدیم که همراه بامتن است، در قدم اول مبنائی برای تفسیر موضوعات جام حسنلو عرضه میدارد. البته قبول چنین منبعی متضمن آنست که ما نه ایما معنویاتی مشابه ساکنین بین النهرین داشته و اساطیری مشترک با آنها دارا بوده اند.

با پیش گرفتن این راه، ما سعی میکنیم، طی مطالبی که خواهیم گفت، ثابت نمائیم که نقوش حسنلو، نسبت بموضوعات مصور خاورمیانه قدیم که تاکنون شناخته شده، تحولی را نشان میدهد. بعقیده ما درست همین تفاوت طرز بیان است که معانی محلی اساطیر منقوش بر جام مورد بحث را آشکار ساخته و راه درك مذهب

مانه‌ایها را باز میکند. باید توضیح دهیم که فرضیه يك الهام خارجی فقط شمایل‌سازی را دربرمی‌گیرد ولی سبك و طرز پرداخت شکل‌ها مختص سنت هنری ایران، چنانکه بعداً تعریف خواهد شد، بنظر می‌آید.

از همین‌حالا پیشنهاد میکنیم که تصاویر ردیف بالائی جام را معرف فکر اصلی شناخته و صحنه‌های ردیف پائینی را، که بدون هیچ توجهی بنظم و ربط مطالب آورده شده، مجموعه‌ای بدانیم از اساطیر قهرمانی و داستانی که جزء لایتجزای کتب مقدسه تقریباً تمام اقوام آسیای غربی بوده است.

منشأ اکثر این موضوعات منتهی میشود به اشعار اساطیری یا قهرمانی نویسندگان بین‌النهرینی که همیشه هم بيك صورت بیان نشده است. چنانکه اساطیر اکدی با اساطیر سومری فرق داشته و بین اقوامی که تحت نفوذ اکد بوده‌اند باز هم تفاوت‌های بارزی در اساطیرشان دیده میشود. با وجود اینها، سنتها از نسلی بنسل دیگر منتقل شده و نحوه بیان آنها در متون مختلف کمابیش یکسان مانده است.

سه ارا به‌ران

بدون امکان کمترین اشتباهی، رژه سه خدای سوار بر ارا به مربوط میشود بمعتقدات کهن آسیای صغیر. تصور خدای طوفان، باگاو بعنوان علامت مشخصه، يك فکر بسیار رایجی بود در تمام کشورهای کوهستانی شمال سوریه و در بین هیتی‌ها و هوری‌ها. نخستین نمونه‌های آن در لوحه‌های پیش از هیتی هزاره دوم قبل از میلاد کاپادوسیه — که هر شهر مهمی برای خودش يك خدای طوفان داشت — به چشم می‌خورد^{۲۵}. پس از لوحه‌های مزبور، آثاری

25— R. Dussaud: Les tablettes cappadociennes du Musée du Louvre, p. 54, fig. 4, pl. III, 2.

که بهتر از همه پرستش این رب النوع را نشان میدهد عبارتست از نقوش برجسته هیتی معابد در هوای آزاد یازیلیکایا (Yazilikaya) و مالاتیا (Malatya) که از قرن پانزدهم تا دوازدهم قبل از میلاد ساخته شده است.^{۲۶} آثار حکاکی ریزکاری (Glyptique) از جمله مهر استوانه‌ای مشهور به تیزکیه‌ویچ (Tyszkiewicz) رابطه‌ای بین لوحه‌های کاپادوسی و نقوش یادشده هیتی برقرار مینماید.^{۲۷} بعلت بزرگی جثه حیوان و دقت زیادی که صرف ترسیم آن شده است، چنین استنباط میشود که این ارا به‌ران مقام اول را در اصول تکوین الهی — نظیر خدای طوفان نقش برجسته بزرگ یازیلیکایا و یا نقوش برجسته مالاتیا — دارا بوده بطوریکه، علیرغم ترتیب ازهم دررفته صحنه‌های جام، بیننده مجبور است که این ارا به سوار و گاوش را سرآغاز و کلید وقایعی که بصورت آشفته‌ای بیان میشود بداند.

البته، لباس و طرز آرایش سرش عیناً مطابق صورتهای نقشهای برجسته هیتی نمی‌باشد. اما روی شانه‌هایش چیزی دیده میشود که میتوان بیک جفت بال تعبیر کرد. خوب، در میان شکل‌های مختلف خدای طوفان مالاتیا یکی هست که بالدار بوده و بر پشت شیری، که آنهم بالدار است، ایستاده است.^{۲۸}

از سوی دیگر، خدای هیتی تشوب (Teshoub) مانند خدای کنعانی

26— Louis Delaporte: Malatya Arslantépé, fac. I (1940). — K. Bittel, R. Naumann, W. Otto: Yazilikaya (1941). — Walter Andrae: Alte Feststrassen im Nahen Osten (1941).

27— Henri Frankfort: Cylinder Seals (1939), pl. XI (n, o).

28— R. Dussaud: Les religions des Hittites et des Hourrites, des Phéniciens et des Syriens, Paris 1945 (2^e éd. 1949), p. 338.

طوفان ادد (Adad) یا هدد (Hadad)، همیشه همراه با ابرها، بعنوان نشانه و علامت تاخت و تاز، نموده شده‌اند. ضمناً نباید از نظر دور داشت که در این زمان هنوز رسم نبوده که سوار اسب شوند بلکه سوار بر اربه‌ای میشدند که در آغاز گاو یا خر وحشی و بعداً اسب بدان بسته میشد. این مشخصات با حالت خدای نقش بسته بر روی جام حسنلو کاملاً تطبیق میکند و فقط تفاوت‌هایی ناشی از زمان و سلیقه در آن مشاهده میشود. همانطور که رب النوع رعد و برق ترسیم شده بر یک مهر استوانه‌ای کاپادوسی بر پشت گاو نری ایستاده است^{۲۹} در حالیکه شکل سنتی او، بصورتیکه آشوری‌ها تجسم مینموده‌اند و روی سنگ یادگار مکشوفه از آسلان تاش (Aslan-Tash) و موجود در موزه لوور دیده میشود، ایجاب میکرده که یک پای راروی شاخ و پای دیگر را روی کپل گاو بگذارد.^{۳۰}

در ادبیات، اینگونه بیان مطلب از طریق علائم خیلی دورتر می‌رود. یک سرود مذهبی از «گاو بزرگ» یاد میکند که مفهوم آن فقط خود گاو نیست بلکه شخصیت تشوب را هم در بر میگیرد. تمام این معلومات ما را مجاز می‌سازد باینکه تصویر بالدارجام حسنلو را — که شلاقش را گوئی برای جنگ با عناصر طبیعی بحرکت در می‌آورد (شکل ۲۰) — همتای رب النوع طوفان هیتی‌ها و یاهوری‌ها بشمار آوریم.

بمناسبت پوشش سرشان، رانندگان اربه‌های دوم و سوم بسته شده بغر و وحشی بترتیب ارباب انواع خورشید و ماه، یا شمش و سین، را بخاطر می‌آورند. چنین تجمعی غیر عادی و بی‌قاعده نیست، زیرا

29— G. Contenau: La glyptique syro-hittite, Paris 1922, pl. II, 6. — T. & N. Ozguc: Ausgrabungen in Kultepe, (1950), no. 721.

30— A. Parrot: Assur, fig. 84.



۲۰- جام حسنلو : راننده ارابه گاوی

هم در شهر آشور و هم در علم الهیات بابلی، پرستش ادد یا خدای طوفان همراه با دو رب النوع مزبور بعمل آمده و در پایان قانون حموربی، نام ادد «صاحب فراوانی و ازدیاد آب چشمه‌ها» در امر اجرای عدالت، بمعیت اسم شمش ذکر گردیده است.^{۳۱}

از سوی دیگر، در نقش‌های برجسته مالتائی^{۳۲} - نقطه‌ای برکنار

31— Ed. Dhorme: Les religions de la Babylonie et de l'Assyrie. pp. 97 ss, 126, 127.

32— F. Thureau-Dangin, in Revue d'Assyriologie et d'Archéologie Orientale, Paris, 1924, XXI, pp. 185-197. — G. Contenau. Manuel d'Archéologie orientale depuis les origines jusqu'à l'époque d'Alexandre. 4 vo., Payot, Paris, 1927-1947, tome 3, p. 1280. — A. Parrot: Assur, p. 71.

رود دجله و در نزدیکی خرس آباد - که بامر سناخریب بر روی سنگ کنده شده، دیده میشود که خدایان آسمانی ادد، شمش و سین پشت سر خدایان اعظم آشور و ایشتر حرکت میکنند. در آنجا شمش بر پشت اسبی ایستاده است. بر لوح سنگ آشار هادن (Ashardadon) که در تیل بار سیب بدست آمده، باز هم شمش بهمین صورت نشان داده شده است.^{۳۳}

يك فرضیه دیگر آنست که نقوش جام حسنلو، موضوع اصلی دسته (بمفهوم دسته سینه زنی یا نظیر آن) یا زیلیکایا را مجسم نماید. در این دسته، تشوب همراه دو گاونر موسوم به سری و هوری (Seri, Hourri) میباشد و در اینکار يك قصد آشکاری در ارائه علائم و مظاهر بچشم میخورد. زیرا معنای کلمه سری روز بوده و عقیده داشتند جایگاهش نزد الهه آفتاب قرار داشته است. همچنین معنای هوری شب بوده و گاومزبور پهلوی رب النوع طوفان و تاریکی سر میکرده است.^{۳۴} در اینصورت، اجتماع ثلاثه جام حسنلو ما را در برابر خدای بزرگ طوفان، که شاید معبد هم برای او ساخته شده بوده، و دو مصاحب آسمانش میگذارد.

مراسم جرعه فشانی و قربانی

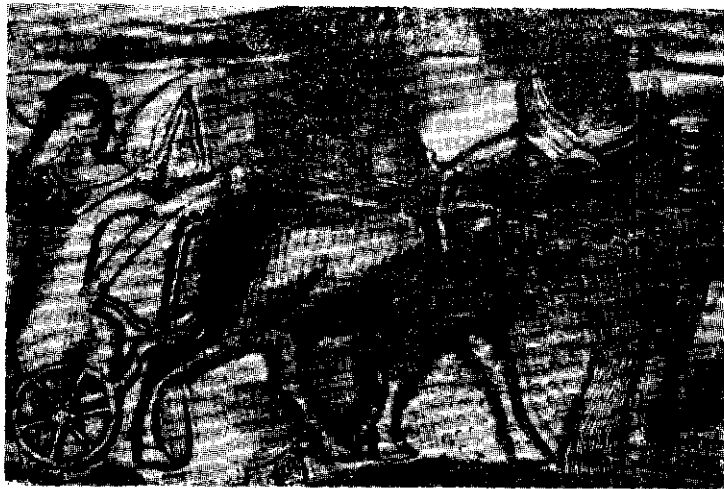
گذشته از این رژه فضائی مخصوص خدایان عناصر طبیعی، که اهمیتشان بایان علائمی تاکید گردیده، ما شاهد دوتا از مناسک سنتی و مذهبی خاور میانه قدیم، جرعه فشانی (Libation) و قربانی، میباشیم.

33— F. Thureau-Dangin & M. Dunand: Til-Barsib, Paris, 1936, p. 152, pl. XII.

34— R. Dussaud: Les religions des Hittites..., p. 347.

جرعه فشانی اصولاً يك نوع تقدیم پیشکشی است که بوسیله شاه یا کاهن بزرگ انجام می‌گرفت. در عین حال، آئینی بوده بمنظور حاصلخیزی زمین، زیرا جرعه آب مظهر باران، یعنی عامل ناگزیر روئیدن گیاهان و تأمین زندگی محسوب و بر زمین فشاندن آن موجب جلب آن می‌گرفته است. در نقش سومری گودآ (Gudéa)، این جرعه بر روی گلدانی میریزد که گیاهی در آن جای داده شده است.^{۲۵}

بر روی جام حسنلو، گاو نر بزرگ، علامت مشخصه تشوب، جلوی کسیکه پیاله‌ای را با دو دست بلند نموده، جریان تندی از مایعی را بزمین میریزد (شکل ۲۱). موضوع گاوی که از دهانش نهری



۲۱- جام حسنلو : گاوی که از دهانش ستون آبی بر زمین میریزد .

جاری میشود خودش خیلی چیزها را روشن میکند. زیرا از یکسو یکبار دیگر هم هویت رب‌النوع طوفان را تأیید نموده و از سوی دیگر به اسطوره حاصلخیزی، یکی از قدیمترین و رایج‌ترین اساطیر

35— A. Parrot: Sumer, fig. 281, 282.

آسیای جنوب غربی، می پیوندد.

باوجود آنکه در شمایل سازی این موضوع ندرتاً ظاهر میشود،
ما آنرا در سه اثر زیرین، متعلق به هزاره سوم قبل از میلاد،
می یابیم:

۱- بر روی يك استوانه مكشوفه در اور (Ur) و مربوط بدوران
اکد، دو ستون آب از دهان گاوی فرو ریخته و سطح زمین را فرا
میگیرد، در حالیکه در گوشه ای از استوانه مزبور، يك گاو وحشی
کوچکی بر فراز مربع مستطیلی که حاوی نام نذرکننده است بحال
چمباتمه دیده میشود.^{۳۶}

۲- موضوع مورد بحث بصورت متفاوتی بر استوانه مشهور
به استوانه شارکالی شاری (Sharkalishari) از مجموعه د کلر
(De Clerq) و متعلق به نیمه هزاره سوم قبل از میلاد نقش بسته
است.^{۳۷} در آنجا گاوی مشغول نوشیدن آبی است که از ظرفی فوران
مینماید. البته فرق بین این منظره با گاو جام حسنلو، که هم منبع
آبست و هم چشمه، زیاد است لکن این تصویر رابطه ای برقرار
میکند بین موضوع مورد مطالعه ما با موضوع ظروف فواره دار که
بکرات در پایان هزاره سوم و سراسر هزاره دوم قبل از میلاد ترسیم
میگردیده است.^{۳۸}

۳- بر ظرف از جنس استآتیت (Stéatite) مکشوفه در خفاجه،

36— L. Legrain: Excavation X. Seal Cylinders, London, 1951, fig. 186.

37— A. Parrot: Sumer, p. 186, fig. 223. — De Clercq avec la collaboration
de M. J. Menant: Catalogue méthodique et raisonnée, tome 1, Cylindres
orientaux, Paris, 1888.

38— A. Parrot: Sumer, fig. 339-392.

از میان آبی که از دهان گاو خارج میشود گیاهی سر بر آورده است،^{۳۹} کاملاً مانند جامی که در برابر آن گودآجره فشانی میکند که گیاهی در آن جام رسته است و یا مانند ظرفی (که اهل فن Arybale نامند) و اجنه منقوش بر یک جام زرینی از املش با دو دست بر روی سینه نگه داشته اند (شکل ۲۲).^{۴۰}

مبنای اعتقاد بجرعه فشانی و دلیل کثرت نمایش آن بر روی آثار تاریخی را میتوان بسمه‌ولت درک نمود. مردم مانهای که بر دو دامنه کوهستان زاگرس مستقر شده بودند، مثل همسایگان بین‌النهرینی‌شان، مجبور بودند که بعوامل جوی، که موجودیت و فراخی نعمتشان بدان بسته بود، سخت بیاندیشند. لذا بسیار طبیعیست که آب یعنی نخستین عنصر حیات در خط مقدم مسائل معنوی قوم مزبور جای گرفته باشد.

و اما شخص مجری این آداب (شکل ۲۳)، او شاه است یا کاهن؟ یا هردو؟ تشخیص آن دشوار است. فقط معلومست که لباس و طرز آرایش سرش از دیگر مردان این جام متمایز مییابد و هیأت مجریان آداب معابد را بخاطر میآورد. شاید هم یکی از انبوه تصاویر پیشوایان مذهبی است که آثار تاریخی سومر و اکدی بما عرضه داشته‌اند و بعنوان مثال از چند تایی آنها در زیر یاد میکنیم:

— الواح مذهبی لاگاش (Lagash).^{۴۱}

— جام بزرگ اوروک (Uruk) جهت تشریفات دینی.^{۴۲}

39— H. Frankfort: The Art and Architecture of the Ancient Orient, Middle-d'Assyriologie et d'Archéologie Orientale, Paris, 56 (1962), p. 117, n. 7. sex, Pinguin Books, 1954, fig. 9, British Museum.

40— Exposition «7000 ans d'Art en Iran», cat. 80.

41— A. Parrot: Sumer, fig. 159 A, B, fig. 169 A.

42— A. Parrot: Sumer, fig. 88-90.



۲۲- جام زرین املش : متعلق بقرن نهم یا هشتم قبل از میلاد، در موزه ایران باستان . ظرف شامل دومجلس فوقانی و تحتانی است. دربالا شیرری بگوزنی حمله نموده و در پائین یکی از اجنه ظرفی را بغل گرفته که مایعی از آن فوران میکند .

۲۳- جام حسنلو : مرد حامل پیاله .

— مجسمه کوچک خفاجه (Khafadjeh) ^{۴۳} .

— مجسمه های پیشوایان دینی مکشوفه در ماری (Mari) ^{۴۴} .

اشخاص منقوش برآثار فوق گاهی دارای ریش هستند و گاهی با صورت تراشیده ولی همیشه و بدون استثنا سرشان بدون مو میباشد. در مواقعی هم که شاه شخصاً وظایف مذهب را انجام میداد عرق چینی بسر میگذاشت تا چنان نماید که سرش تراشیده است.

43— H. Frankfort: Sculpture of the Third Millenium B. C. from Tell Asmar and Kafadjeh, Chicago, 1939, pl. 21-23.

44— A. Parrot: Mari, 24-30.

در پشت سر این رئیس دینی ، دومردی حرکت می‌کنند که هر کدام با يك دست پس‌گردن و با دست دیگر سرین گوسفند را گرفته و بجلو میرانند . در اینجا سروکار ما با قربانی بمفهوم واقعی است ، یعنی ریختن خون که طبق قدیمی ترین سنتها معادل جرعه فشانی بوده است . درباره ذبح حیوانات باین منظور مدارك متعددی موجود است . بعض اوقات صحنه های نمایش تشریفات مذهبی قربانی ، میدان جولان ذوق و قریحه هنرمندان گردیده و مهارتیکه در تجسم جزئیات ، آنهم در سبکی کاملاً طبیعت‌گرا ، بکار برده حاکی از قدرت فوق‌العاده حس مشاهده آنان میباشد .

گوسفند حیوانیست که بیشتر قربانی میشده است. ارقام گوسفندانیکه جهت قربانی وارد معابد سومری و اکدی میشده در متون مذهبی درج گردیده است، تعداد آنها واقعاً حیرت‌آور است. بعضی از نقشهای برجسته بر روی سنگ چنان زنده هستند که گوئی ما در آن تشریفات حاضر بوده‌ایم و در نتیجه بخوبی درمییابیم که مقصود غائی از اینکار نثار نمودن خون بوده است. ضمن کاوشهای ماری، خرده‌های منقوشی از جنس صدف پیدا شد. پس از جور کردن آنها صحنه‌ای پدید آمد که به «ذبح گوسفند» مشهور شده است. این اثر در معبد شمش پیدا شده و مراحل پی‌درپی قربانی گوسفند را با دقت و ریزه‌کاری هرچه تمامتر نشان میدهد.^{۴۵} همچنین صفحه بزرگ نقاشی شده‌ای از کاخ ماری که اکنون در موزه لوور میباشد، تشریفات قربانی گاو را، آمیخته با يك احساس شکوه و عظمت، نمایان می‌سازد.^{۴۶}

45— A. Parrot: Sumer, fig. 171 B, Musée de Damas

46— A. Parrot: ibidem, fig. 344, 345. — Idem: Syria fac. 4 (1937) Musée du Louvre.

متون مربوط باین موضوع ما را آگاه مینمایند که خدمه معبد حیوان را جهت ذبح میآوردند و در مواقع کاملاً استثنائی شاه شخصاً خون آنرا بپای خدایان ریخته و نثار آنها میکرد. ضمناً تصریح شده است باینکه در مراسم مزبور، شاه خود را بلباس روحانیون درمیآورده است باین طریق که جامه بلندی پوشیده و عرقچینی بسر میگذاشته است.^{۴۷} این توصیف از هرجهت باصحنه جام حسنلو تطبیق مینماید و ما را مجاز میسازد باینکه شخص حامل پیاله را شاهی بدانیم که طی تشریفات باشکوهی بانجام مراسم دینی مشغول میباشد.

زن ایستاده بر پشت قوچ

بطوریکه در آغاز این مبحث، یعنی «مسئله منشاء تصاویر جام» اشاره شد بیشتر نقوش جام حسنلو معرف اساطیری میباشد که با اساطیر مذکور در آثار تاریخی سوریه و بینالنهرین خویشاوندی دارد. معذالك تصویر زن عریان ایستاده بر پشت دو قوچ، نشانه‌ای از الوهیت، تا حدی پیچیده است (شکل ۲۴). شخص مزبور پوشاکی جز يك گردنبند و يك شنلی که با نوك دستها گرفته ندارد. تنها چیزی که بما القا میکند که شیئی اخیر را شنل بدانیم شباهت نقش آنست با پارچه لباسهای اغلب اشخاص دیگر این جام. ولی آیاممکن نیست آنرا چیز دیگری تصور کنیم؟ مثلاً باران و یا بالها؟ برای روشن شدن این مطلب، تصویر مورد بحث را با چهار اثر زیرین مقابله مینمائیم:

۱- يك استوانه عصر اکد شمایل الهه عریانی را نشان میدهد

47— R. Dussaud: Les religions des Hittites.... p. 348.



۲۴- جام حسنلو : الهه عریانی که روی دوقوچ ایستاده .

که سوار بر گاو بوده و بازوانش را بر روی سطحی خط‌خطی، که که میتوان باران پنداشت، گشوده است.^{۴۸} چنانکه بالاتر گفتیم، باران يك عنصر اصلی تکوین عالم (Cosmogonie) ملل شرق قدیم بوده است.

۲- بر روی يك استوانه‌ای که درسوریه پیدا شده، يك موجود خدائی عریان بر پشت يك گاو یا يك شیر ایستاده و دستهایش را بر روی سطح منقوشی باز کرده که خانم پر دا نام «محوطه بالدار» (a winged enclosure) بدان نهاده است.^{۴۹}

۳- الهه فوق‌الذکر را بر روی ظرفی مکشوفه در لارسا (Larsa)

48— H. Frankfort: Cylinder Seals, pl. XXII, (British Museum 89089).

49— E. Porada: Corpus of Ancient Near Eastern.... vol. 1, XIV, n. 967, pl. 29.

میاییم که این بار بر پشت هیچ حیوانی قرار نداشته و جهت دعای خیر، دستهایش را بر فراز دو بال باز نموده است.^{۵۰}

۴- تصویر مشابهی بر روی صفحه گل پخته‌ای متعلق بموزه لوور دیده میشود لکن الهه بر پشت دوزکوهی نشسته، ایستاده است.^{۵۱}

بطور کلی، این نوع خدایان از جمله مشخصات هزاره دوم پیش از میلاد سوریه میباشد که گاه در بناهای تاریخی و گاه بصورت مجسمه‌های کوچک، مخصوصا برای آویختن بگردن بعنوان تعویذ و طلسم، مشاهده میگردد. بعضی از طلسمهای مزبور او را در حال شیردادن بکودکی نشان میدهند. اکثر علما او را الهه باروری شناخته‌اند.^{۵۲} برعکس، الهه جام حسنلو، بعلت ارتباطش با قوچ، در زمره الهه‌های سوری در نیامده و به اساطیر سومری ماقبل تشکیل سلسله‌ها ملحق میگردد.

از سوی دیگر، قرار گرفتن این الهه بلافاصله بعد از هیولائی که از کوه بیرون آمده، او را با داستان اساطیری هیتی کوماری، که کمی پائینتر درباره آن صحبت خواهیم کرد، مربوط می‌سازد. در داستان مذکور، الهه میتانی موسوم به هبات (Hébat) به همراهی خدای طوفان عهده‌دار نقشی میباشد.^{۵۳}

بسم خود، ما این تصویر جام را گونه تحول یافته‌ای از الهه مادر مربوط باعصار خیلی دور تشخیص میدهم که در آثار باستان-شناسی ایران قسمتهای برجسته تنش خیلی بزرگتر از نسبتهای

50— A. Parrot: Sumer, fig. 367 B.

51— Idem, ibidem, fig. 367 C.

52— G. Contenau: Le Déluge babylonien, pp. 143, 144, fig. 26, 27.

53— Ed. Dhorme: Les religions de la Babylonie et de l'Assyrie, p. p. 352.

طبیعی نموده شده و بمنظور تاکید وظیفه شیردهی او، الهه با دستهایش پستانهای خود را میفشارد.

مرد کماندار

ادبیات مذهبی خاورمیانه قدیم که بتفصیل از اصول تکوین عالم، پیدایش جهان، ظهور انسان و نظایر آنها سخن رانده سهم بسزائی هم به اسطوره‌های قهرمانی تخصیص داده است. از جانب دیگر، برای تجسم این افسانه‌ها، شمایل سازی علائم و ضمائ معینی برای هر اسطوره تعیین نموده بطوریکه با وجود تفسیراتی که تصاویر این اساطیر طی زمان بعمل آورده‌اند باز هم بوسیله همین علائم و ضمائ شناخته میشوند. چنین است اسطوره گیلگامش (Gilgamesh)

یا قهرمانی که متون متعددی داستانش را بیان میکند. لکن در هیچ‌جا ما چیزی بر نمی‌خوریم که یادآور قهرمان کماندار جام حسنلو باشد. در مقابل بعضی نقشهای برجسته سنگی آسیای صغیر متعلق به نیمه دوم هزاره دوم پیش از میلاد تصویر بزرگ شده کمانداری را عرضه میکند که هویت آن تا حال مورد بحث باقی مانده زیرا برخی آنرا خدای جنگ و برخی يك شاه دانسته‌اند.^{۵۴}

اما کماندار جام حسنلو دارای اسلاف کاملاً ایرانی میباشد، آنهم در نقوش برجسته شهرزور (Shahr-Zor) که متعلق به اواخر هزاره سوم قبل از میلاد است.^{۵۵} با آنکه نحوه ترکیب اشکال تقلیدی از صحنه‌های فتح و فیروزی بین‌النهرینی است، شاه‌لولوبو (Lullubu)

54— M. Th. Bossert: Das hethitische Felsrelief bei Henyeri (Geszbili), in *Analecta Orientalia*, XXIII (1954), pp. 129 ss, pl. XXVI abb. 10. — J.

Danmanville: *Iconographie d'Ishtar en Anatolie ancienne*, in *Revue*

55— R. Ghirshman: *L'Iran des origines à l'Islam*, p. 42.

کمانش را، باحالتی بسیار شبیه قهرمان جام حسنلو، روی زانویش تکیه داده است (شکل ۲۵). گذاردن انتهای سلاح بروی پا سنت



۲۵- نقش برجسته سنگی آتوپانی در شهر زور، اواخر هزاره سوم قبل از میلاد.

پایداری بوده زیرا پانصد سال بعد، نگهبانان کاخهای هخامنشی، عین کماندار جام حسنلو میایستند (شکل ۲۶).

چنانکه گفتیم، پوشش سرکماندار ما عبارتست از يك نواری دور سرش که بکله ماری ختم میشود. شاید این مار نشانه صفت الوهیت قهرمان باشد. در اینصورت او خدای جنگ بوده، یافرشتهای مظهر یکی از عناصر طبیعی، یا خیلی ساده يك شاه وحتى يك رئیس قوم؟ تشخیص آن مشکل است.

در هیأت و حالت این تصویر نکته دیگری جلب توجه میکند و آن جای دادنش است در پهلوی عقابی که زنی را حمل میکند (۲۷)

ارتباط عقاب با مار و موضوع دشمنی بین آنها در داستانهای بابلی آمده و ندرتا هم بر روی نشانها و مهرهای عتیق ترسیم

شده است.^{۵۶} در اینجا از چند نمونه نمایش این موضوع یاد میکنیم:

— استوانه فاتا (Fata) و يك استوانه ديگراز عصر اکد که بیشتر

به اسطوره معروف اتانا (Etana) مربوط میشوند.^{۵۷}



۲۶- گیلوئی مشهور به کمانداران، مکشوفه درشوش و موجود درموزه لوور.

آثار ایرانی متعلق به هزاره سوم قبل از میلاد، بشرح زیر:

56— G. Contenau: *Epopée de Gilgamesh*, Paris, 1939, pp. 147 ss.

57— Pierre Amiet: *Glyptique Mésopotamienne ancienne*, Paris, 1961, pl. 95, fig. 1252; pl. 98, fig. 1296.

- يك مهر استوانه‌ای مكشوفه در شوش (از يك مجموعه
خصوصی در تهران)^{۵۸}
— تيله های سفالين بدست آمده از تپه گيان و قشر دوم شوش^{۵۹}
— يك ظرف مكشوفه در سيلك^{۶۰}



۲۷- جام حسنلو : عقاب حامل زن .

ضمناً تذکر این مطلب زائد نیست که موضوع عقاب و مار ،
مانند اکثر موضوعات مشرق قدیم ، دوباره طی قرون وسطی ظاهر
میگردد و بهترین نمونه آن کتاب یوحنا ی اسپانیائی (Apocalypse espagnole)

58— E. Paroda: Iran Ancien, p. 32.

59— G. Contenau & R. Ghirshman: Fouilles de Tépé-Giyan, Paris, 1933,
pl. 66, 67.

60— R. Ghirshman: Fouilles de Tépé-Sialk, vol. 1, pl. 60.

متعلق به قرن دهم میلادی میباشد (شکل ۲۸)^{۶۱}

صرفنظر از هویت کماندار جام حسنلو، از تباطش با سایر تصاویر جام و نقشی که در بیان اساطیر جام بر عهده دارد، حالت و طرز ایستادن او ناشی از يك سنت محلی بسیار قدیمی است که قرنهای دراز دیگری در ذهن تصویرسازان باقی میماند تا از نو بر روی نقوش برجسته شوش و تخت جمشید ظاهر شود.



۲۸- موضوع دشمنی عقاب و مار، مینیاتور قرن ۱۱ میلادی که در شهر سن سور (Saint-Sever) اسپانیا کشیده شده است.

عقاب حامل زن

موضوع عقاب حامل زن محتاج بتوضیح مختصری است. يك استوانه یافته شده در لاگاش (Lagash) و متعلق بعصر اکد، افسانه اتانا شاه داستانی کیش را بیان میکند (شکل ۲۹)^{۶۲}. اتانا، که هم

61— C. Nordenfolk: Le Haut Moyen Age.

62— A. Parrot: Tello, p. 138, pl. XI. Musée du Louvre. — Idem: Assur, fig. 359, Musée de Berlin. — G. Contenau: Le Déluge babylonien, p. 149, fig. 31.

چوپان بود و هم شاه، بر پشت عقابی پیرواز درمیآید و بجستجوی «گیاه تولد» میپردازد تا زنش بتواند باو پسر و جانشینی بدهد. قطعه‌ای از متن که با این عبارات شروع میشود «ای خدای من، کاش بامر تو فرزندی برای من تولد یابد، گیاه زندگی را بمن ارزانی دار» سخت مهیج است.^{۶۲}

بین پیدایش این اسطوره و تاریخی که تصور میشود جام حسنلو



۲۹- مهر استوانه‌ای از عصر اکدو مکشوفه درلاگاش درباره اسطوره اتانا (نیمه دوم هزاره سوم قبل ازمیلاد).

ساخته شده باشد بیش از هزار سال فاصله است. معذالك ابداء گزاف‌گوئی نیست اگر نقش عقاب حامل زن بر روی جام را با این افسانه اکدی مرتبط سازیم. این تصویر جام را میتوان يك روایت ایرانی همان داستان اکدی دانست که درآن چوپان - شاه جای خود را بر پشت عقاب بزنش داده تا مستقیماً نزد خدایان رفته و گیاه معجزآسا را دریافت نماید (شکل ۲۷).

ناگفته نماند که بر روی مهر استوانه‌ای شوش که بالاتر یاد

63— G. Contenau: Le Déluge babylonien, p. 148. — Ed. Dhorme: Les religions de la Babylonie et de l'Assyrie, pp. 312 ss.

کردیم، عقاب پرگشوده است و بر فراز یکی از بالهایش يك سر انسانی دیده میشود و لذا بعید نیست که آن تصویر هم بیان دیگری از افسانه اتانا باشد.

بدین ترتیب تفسیری برای تصویر عقاب حامل زن بدست آمد. اما يك متن فنیقی که بتازگی قرائت شده تفسیر دیگری را بما القا مینماید.

توضیح آنکه یکی از متون مکشوفه در اوگاریت یا راس شمره (Ugarit, Ras-Shamra) اطلاعات جدیدی درباره قدرت الهه کنعانی موسوم به آنات (Anat) در اختیار ما میگذارد.^{۶۴}

ضمن برشمردن کرامات الهه مزبور، متن فنیقی میگوید که او میتواند در هوا حرکت کند. البته در آن زمانها، چنین کاری از امتیازات خدایان محسوب میشده است. بدین جهت در این متن به آنات لقب «پرنده پرندگان» (بمفهوم زیباترین پرندگان) داده شده است. علیهذا آستارته (Astarté) یا «الهه بالدار» نیز بهمین شکل تجسم مییافته است.^{۶۵}

این صفت الهه فنیقی ما را از تصویر پرهیجان افسانه اتانا دور ساخته و دعوت میکند باینکه مسافر عقاب حسنلو را موجودی ربانی از دسته ایشتر (Ishtar) یا آستارته بشماریم. از جانب دیگر، توصیف الهه پرنده بطور تعجب‌آوری با آناهیتا ایزد ساسانی، که

64— Ch. Virolleau: Les nouveaux textes mythologiques de Ras-Shamra, extrait des Compte-Rendus de l'Académie des Inscriptions & Belles-Lettres (1962). — Idem, in Compte-Rendus au Congrès Assyriologie, Paris, juillet 1964.

65— M. Shaeffer: Ugaritica, II, p. 41, fig. 14, 3. — Th. Barrelet: Syria XXXV, 1958, pp. 36-42.

گوئی تجدید خاطره‌ای از مجمع خدایان مانه‌ایست، تطبیق مینماید. بدیهی است که با فقدان متن نمیتوان بصحت یکی از این دو تفسیر رأی داد. زیرا ترکیب و نظام افکار مذهبی این تمدنها، حتی اگر متون مربوط بآنها هم در نهایت وضوح خوانده شده باشند، بعدی غامض و پیچیده است که در حیطه تصور يك انسان زمان حاضر نمیگنجد. لذا تمام این فرضیه‌ها حکم اقدامات آزمایشی را دارد بمنظور کشف رمزی که عبارتست از تعیین هویت این موجودات. فقط اینقدر مسلم است که آنها دارای صفات فوق طبیعی بوده‌اند. البته اگر هنرمندی که جام حسنلو را ساخته است در زیر هر يك از این موجودات نامشان را در مربع مستطیلی نوشته بود، همانطور که در بسیاری از آثار تاریخی این عمل انجام شده است، کار شرح و تفسیر شکلمها خیلی آسانتر میگردید. اصلا جا دارد از خود پیرسیم هنرمند زبردستی که این انجیل عجیب را بصورت اشکال درآورده چطور این کار را نکرده است؟

کشتن مرد زشت

بلافاصله بعد از این صحنه که حاکی از احساسات لطیف انسانی میباشد، هنرمند ما را در برابر منظره‌ای آمیخته بخشونت و زشتی قرار میدهد (شکل ۳۰).

دو نفر که بشخص ثالثی درآویخته باشند، يك موضوع معمولی در شمایل‌سازی آسیای جنوب غربی بوده و ادبیات بابلی يك ردیف داستان، که تغییرات جزئی در بعضی از آنها وارد شده، باین مطلب تخصیص داده است. اینك چند مورد مشابه این صحنه را از نظر میگردانیم:

۱- از ۱۲ لوحه حماسه گیلگامش، ۴ تای آنها شامل تفصیل



۳۰- جام حسنلو : مبارزه دونفر باشخص ثالث .

قدرت نمائیهای قهرمان مذکور و دوستش بنام انکیدو (Enkidu) در مبارزه با هیولای هومبابا است. در آنجا شرح خواب انبیائی گیلگامش، طرح‌های عزیمت و حرکتش و اتفاقاتیکه در جنگل سدر روی داد و بالاخره مقابله‌اش با هومبابا با ذکر تمام جزئیات بیان گردیده است.^{۶۶} صحنه‌های مختلف این داستان بوفور بر روی نقوش برجسته سنگی و یا بر روی نشانها و مهرها نقش بسته است.

۲- يك لوحه كوچك بابلی - كه هیولای مزبور را با مشخصات گرگن (Gorgone) نشان میدهد^{۶۷} - شعر گیلگامش را بدقت هرچه

66— G. Contenau: Manuel d'Archéologie Orientale, II, pp. 77, 109, 295.

۶۷- گرگنها از اساطیر یونان قدیم عبارت بودند از سه خواهر (Méduse, Euriyale, Sihéno) که قادر بودند هرکس آنها را نگاه کند جایجا تبدیل بسنگ نمایند (مترجم).

تمامتر مجسم مینماید.^{۶۸}

۳- موضوع مورد بحث همچنین بر روی اثر مهری که در نوزی (Nuzi) پیدا شده ظاهر میگردد لکن در آنجا مهاجمین تاج شاخداری - که از علائم الوهیت است - بر سر نهاده اند و الهه‌ای جهت یاری در کنار آنها قرار گرفته است.^{۶۹}

۴- روی مهر استوانه دیگری که آنهم از نوزی بدست آمده، شخص مورد حمله، لباسی کوتاه و از پارچه‌ای با نقش چهارخان برتن دارد که او را در زمره تصاویر «قهرمان ریشوی عریان» درمیآورد.^{۷۰} ولی در این افسانه مصور، بجای مشخصات دقیق هومبابا، نمونه عمومی از دسته‌ای از شیاطین ترسیم گردیده است.

۵- در موزه بریتانیا، يك لوحه از گل رس، صورت کج و کوله فوق‌العاده منحوسی را عرضه میدارد و بر لوحه دیگری همان صورت ادا و اصول درآورده است.^{۷۱}

۶- در آثار تاریخی هیتی جدید در آسیای صغیر، بازهم این افسانه موضوع صحنه‌سازی واقع شده است.

۷- يك نقش برجسته تل حلف (Tell-Halaf) متعلق باوائل هزاره یکم قبل از میلاد مجلس «بقتل رساندن يك غول» را - که

68— Dietrich Opitz: in Archiv für Orientforschung, V (1928-1929), pp. 207ss.

69— E. Paroda, in Annual of American School of Oriental Researches, XXIV, fig. 728, pp. 60 ss.

70— Idem: Corpus of Near Eastern Seals..., vol. 1, Serie XIV, fig. 686.

— Idem: Seal Impressions of Nuzi, in Annual of American School of Oriental Researches, XXIV, p. 60, n. 278.

71— A. Parrot: Sumer, fig. 369, 370.

خاطره‌ای از الواح بابلی بنظر می‌آورد - نشان می‌دهد (شکل ۳۱).^{۷۲} هم از لحاظ سبك و هم از جهت حالت اشخاص، این مدرك از همه آن‌های دیگر به تصویر جام حسنلو نزدیکتر است.



۳۱- نقش برجسته متعلق باوائل هزاره نخست قبل از میلاد : مکشوفه در تل حلف و مشهور به «بقتل رساندن يك غول» .



۳۲- نقش مکشوفه در کار کمیش .

۸- نقش دیگری از همین زمان که از کار کمیش (Karkémish) بدست آمده همین موضوع را با جزئی تغییراتی در لباس و سلاح نمایان می‌سازد (شکل ۳۲).^{۷۳} لکن شکل و هیکل دشمن مضروب فاقد آن کراحت زننده لوحه كوچك موزه بریتانیا - که از تصاویر تل حلف و جام حسنلو نیز ناخوشایندتر است - می‌باشد. از مقابله هشت مدرك بالا با نقش جام حسنلو در مییابیم که

72— Idem: Assur, p. 90, fig. 99. — A. Mortgat. Tell Halaf III, Berlin, 1955.

73— H. Frankfort: The Art and the Architecture of the Ancient Orient, p. 182, fig. 88A.

این نقش با آنکه مستقیماً از منابع ادبی مدارك مزبور سرچشمه نگرفته معذالك الهام‌پذیر افسانه آنها گردیده یعنی افسانه مبارزه قهرمان معلومی بر علیه دیو تخریب و ویرانگری یا بزبان دیگر، جنگ موجودی پاك با موجودی بد، خلاصه همان دوگانگی شدیدی که در طی قرون اساطیر، اصول اخلاقی و داستانهای ادبی ایران را سیراب نموده است. اسطوره اهورامزدا، اصول شریعت زردشت، تصوف مانی و اشعار حماسی فردوسی مبین بینش جهانی هستند که هیچ فرقی با مفهوم این تصویر جام حسنلو ندارد.

زن همراه شیر

در مجمع خدایان خاورمیانه قدیم، الهه محبوب القلوب، ستاره زهره بود که سومریها این‌نینی (Innini) و سامیهای بابلی، آشوری و عیلامی ایشتر مینامیدند. بعنوان الهه شب، او مظهر عشق و بعنوان رب‌النوع صبح، او حاکم بر تقدیر جنگ و کشتار بود. در کهنترین متون تاریخی، او همبستر خدای ملی خوانده شده است. خویشاوند نزدیک شمش و سین و مخصوصاً آنو (Anu) شمرده شده، سرودهایش مملو از مدح و ثنا بوده و تعداد بی‌حسابی معبد برای او ساخته شده بود. علامت مشخصه او ستاره هشت و شانزده پری محیط در یک دایره، حربه او یک کمان و حیوان منسوب به او شیر بود.

مجمع خدایان ایرانی از وجود این الهه نمی‌بایست بی‌خبر مانده باشد زیرا صورت او را بر روی آثاری بقدمت نیمه هزاره سوم می‌یابیم. یک مهراستوانه‌ای موزه لوور متعلق بعصر سلسله عتیق، یعنی حدود ۲۵۰۰ قبل از میلاد مکشوفه در شوش او را سه بار

چمباتمه زده بر پشت شیری نشان میدهد و در جوار او ستاره‌ای که نشانه الوهیتش است نقش بسته است.^{۷۴} در سکوی یادگار آنوبان-نینی (Anubannini) در شهرزور، که بالاتر بمناسبت مردکماندار ضمن شکل ۲۵ بررسی کردیم، الهه مزبور تاج دوشاخه بر سر نهاده، با یکدست ردیفی از اسیران را برای شاه آورده و با دست دیگر حلقه‌ای را نگهداشته است و ستاره‌ای هویت او را ثابت مینماید.^{۷۵}

در بین‌النهرین، بناهاییکه تصویر او را در بر دارد همانقدر متعدد است که متنوع.

در نقاشی قصر ماری، آغاز هزاره دوم، او يك پایش را روی شیری گذارده، با دستی يك چنگ را گرفته و با دست دیگر عصا و حلقه‌ای را بسوی شاه دراز کرده است. این صحنه باید حاکی از تاجگذاری باشد.^{۷۶}

يك مجسمه گل پخته بابلی او را ایستاده بر پشت شیری نمایش میدهد. در اینجا او مجهز به کمان و همچنین سلاحیست که بومرانگ (Boomerang) خوانند. دایره شعله‌وری پهلوی کمانست.^{۷۷}

در ردیف خدایان مصور بر تخته سنگ مالتائی (Maltaï) ایشتر

74— Pierre Amiet: *Glyptique Mésopotamienne Ancienne*, pl. 103, fig. 1363.

75— G. Contenau: *Manuel d'Archéologie Orientale*, II, p. 763. — R. Ghirshman: *L'Iran des origines à l'Islam*, p. 42, fig. 22.

76— A. Parrot: *Syria XVIII* (1937), p. 335, pl. XXXIX. — Th. Barrelet: *Studia Mariana*, pp. 9-35.

77— H. Gressmann: *Altorientalische Bilder zum Alten Testament*, 2^e édition, 1927, n. 252.

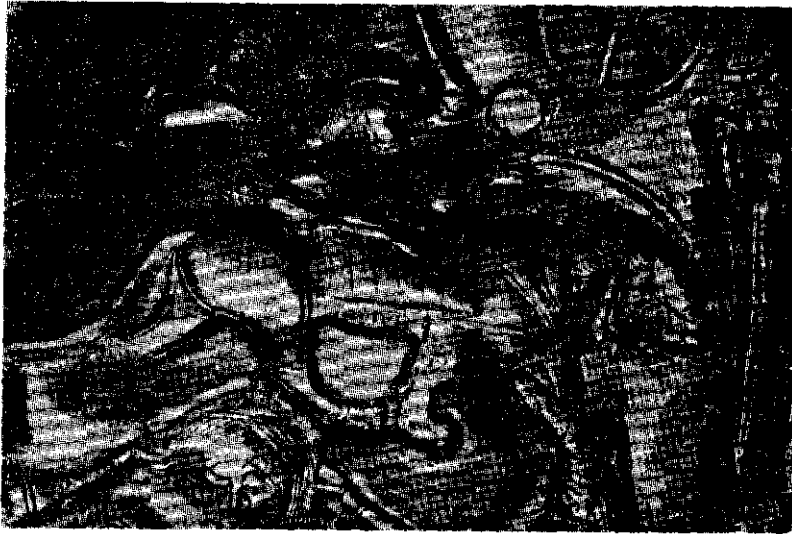
بر روی شیری ایستاده و این الهه فقط يك حلقه در دست دارد.^{۷۸}
 بالاخره بر روی يك سکوی یادگار آشوری در تل بارسیب (Til-Barsib) الهه مزبور تاجی بر سر نهاده که بر فرازش ستاره هشت پری محیط در يك دایره جای گرفته. او دو ترکش حمایل کرده و در حینی که تسمه شیر را با یکدست گرفته، با دست دیگر حرکت دعای خیر و برکت را انجام میدهد. ضمناً شمشیری نیز به پهلوی خود آویخته است.^{۷۹}

تمام این مقایسه‌ها ما را ترغیب می‌کند باینکه زن همراه شیر جام حسنلو را نیز یکی از تجلیات الهه ایشتر بحساب آوریم. البته در این حرفی نیست که هیأت و حالت او بکلی با آثار یادشده تفاوت دارد. ولی مگر در موارد سایر موضوعات جام که تاحال بررسی کردیم ضمیمه غیر از این بود؟ شاید باز هم لازم به تذکر باشد که سروکار ما با فرهنگی میباشد که ماهیتاً دارای استعداد های تخیل و ابتکار بوده است چنانکه استعدادات مذکور را در تمام طول تاریخش، علی‌الخصوص در قلمرو افکار دینی، حفظ نموده است.

طراح جام حسنلو، این تصویر را، همچون مابقی صورتهای جام، تماماً ساده کرده بحدی که بیشتر جنبه اشاره به الهه مزبور را دارد تا ترسیم شکل او. طراح به او قیافه زن بسیار جوانی را داده که فاقد تاج خدائی بوده و گیسوانش را بادقت و ظرافت تمام— ولی بسبب مد روز و همانطوریکه زنهای دیگر جام سرخود را درست

78— G. Contenau P Manuel d'Archéo. Orientale, III, p. 1281.—F. Thureau—Dangin: Revue d'Assyrio. et d'Archéo., XXI, 1924, pp. 185—197.

79— F. Thureau—Dangin & M. Dunand: Til Barsib, p. 156, pl. 14. Musée du Louvre.



۳۲- جام حسنلو: الهه همراه شیر .

کرده‌اند - آراسته است (شکل ۳۳).

هیچ ستاره‌ای صفت خدائی‌ا‌ورا خاطر نشان نمیکند، ولی در یک دستش آئینه و تسمه شیر و در دست دیگرش يك بومرنگ - از جمله اسلحه خانه ایشتر - قرار گرفته است.

در بین اشیاء اخیر، آئینه نیازمند بشرح و تفسیر است. ایشتر بین‌النهرین بندرت آنرا بدست گرفته ولی برعکس نزد خدایان سوریه شمالی بکرات دیده شده است. مثلاً کوبابا (Kubaba) الهه حامی شهر کارکمیش بر روی نقش برجسته‌ای متعلق بقرن دهم قبل از میلاد بر تختی نشسته و آئینه‌ای بدست دارد. ^{۸۰} يك مهر استوانه‌ای مکتشفه در نوزی، الهه بالداری را نشان میدهد که در هر دستش يك آئینه است. ^{۸۱} مثل اینست که در آداب و رسوم هوری، این شیئی

80— Maurice Viera: Hittite Art, London, 1955, p. 70, fig. 51.

81— E. Paroda: Ann. of American Sch. of Orient. Res., XXIV, pp. 62, 63, n. 736

معنای خاصی داشته است زیرا در صورت (لیست) هدایای عروسی يك شاهزاده خانم میتانی با يك فرعون، دو آئینه قید گردیده است. بدنیت که در این مورد توضیح بیشتری بدهیم. صورت هدایای مزبور ضمیمه نامه‌ای بوده که شاه میتانی موسوم به توسراتا (Tousratta) که در قرن چهاردهم قبل از میلاد میزیسته به فرعون مصر آمنفیس سوم (Aménophis III) نوشته است.^{۸۲} هنوز هم در ایران این رسم پابرجاست بطوریکه آئینه از اولین هدایای سنتی عروسی می باشد.

در جام حسنلو، وجود این آئینه را بهیچ چیز دیگر نمیتوان تعبیر کرد مگر بنفوذ تمدن هوری در ایران غربی. اگر هم بخواهیم حتماً تعبیر دیگری پیدا کنیم، تنها میتوان احتمال داد که هنرمند خواسته باشد دو نقش متفاوت الهه مزبور - یعنی دلربائی و جنگ - را گوشزد کرده باشد.

بنظر میرسد که این الهه روی شیر بحال چمباتمه نشسته باشد، چنانکه بر روی مهر استوانه‌ای شوش متعلق به ۲۵۰۰ قبل از میلاد که بالاتر یاد کردیم بهمین نحو نشسته بود. در این صورت قسمتی از دامن او پشت و پهلوی شیر را پوشانیده است.

قبل از خاتمه دادن بررسی این ایشتر مانه‌ای، که خیلی میل داریم اسمش را میدانستیم، ذکر چند کلمه درباره ستاره هلیس مانندی که بر روی ران مرکوب او ترسیم شده لازم می باشد. این علامت که بتعداد بیشماري بر آثار آسیای جنوب غربی مشاهده می گردد، چه از جهت مبداء و منشاء آن و چه از جهت معنا و مفهوم

82— J. A. Knudtson: Die el-Amarna Tafeln., Leipzig, 1915.

آن بارها مورد مطالعه قرار گرفته است.^{۸۳}

ما این علامت را برجام کلاردشت و پیاله املش، که کمی بعد بشرح آنها مبادرت خواهد شد، و براغلب آثار تاریخی سوریه شمالی و فلسطین - مانند سنگ یادگار بایزان (Beisan)^{۸۴} و گل میخ راس شمره^{۸۵} که هر دو از هزاره دوم پیش از میلاد است - مییابیم. از آنجا که تقریباً همیشه این علامت همراه بانقش شیر، از علائم مشخصه ایشتر، مییابد بعید نیست که معرف ستاره‌ای باشد که مظهر الهه مزبور بشمار میرفته است.

سه شمشیر کوتاه

طراح جام حسنلو، این اشاره ظریف به الهه جنگ را با ردیفی از سه قمه تکمیل مینماید. سلاحهای تصویر شده از نوع تشریفاتی هستند و علم باستانشناسی آنها را، هم از حیث منشاء و هم از حیث سبک هنری طبقه‌بندی نموده است. قمه‌هایی که تصویرشان را در اینجا میبینیم یا از مفرغ بوده‌اند یا از طلا، در هر حال جزو ثابت اسباب‌خانه آخرتی بوده‌اند که همراه جسد مرده در قبر میگذاشتند. محل ساخت آنها نواحی مجاور دریای خزر بوده و زمان ساخت آنها را بین قرنهای دوازدهم تا نهم قبل از میلاد تعیین نموده‌اند. در بین نمونه‌های مشهور آنها چند تارا اینک از مد نظر میگذرانیم:

۱- قمه‌ایکه اداره باستانشناسی، ضمن کاوشهای ۱۹۴۷/

83— E. D. Van Buren, in *Analecta Orientalia*, 23 (1945), pp. 120, 121. — Sir Leonard Woolley: *Ur Excavation*, II, p. 277.

84— H. Frankfort: *The Art and Arch. of the Ancient Orient*, pl. 149, pl. 277.

85— *Idem*, *ibid.*, p. 149, fig. 68.

۱۳۲۶، درگورستان حسنلو کشف نموده است. شمشیر کوتاه یکپارچه‌ایست یعنی تیغ و دسته آن يك قطعه فلز میباشد. قطعات چوب بردسته آن نصب و میخ‌پرچ گردیده است (موزه ایران باستان) ۲- درموزه فیلادلفیا، قمه‌ای شبیه آنکه بر روی جام ترسیم شده وجود دارد که ضمن کاوشهای هیئت باستانشناسی آن موزه درحسنلو و در سطحی مقدم بر سطح بناهای سوخته شماره ۱ و ۲ بدست آمده است.

۳- درقبر شماره ۱۰ تپه‌گیان، يك خنجر مفرغی متعلق باوایل قرن ۱۲ قبل از میلاد یافت شده است.^{۸۶}

۴- خنجر دیگری درقبر شماره ۲ بادخوره (Bad-Hora) از مفرغ، بازهم تیغه و دسته سرهم.^{۸۷}

۵- خنجر کلاردشت، ازطلا، یکپارچه بادسته، تیغه مزین بدو دایره با خطی که از مراکز آنها میگذرد، چوب منهدم شده.^{۸۸} ذکر این نکته لازم بنظر میرسد که کشیدن تصویر سلاحها در قسمت آزاد مانده صحنه از زمانهای بسیار دور معمول بوده است چنانکه نشانها و مهرهای عصر سلسله عتیق بین‌النهرین بوفور آنرا نشان میدهند.^{۸۹} تا آنجا که استنباط شده است این کار بمنظور تأکید صفت جنگی صحنه انجام میگرفته است.

86— G. Contenau & R. Ghirshman: Fouilles de Tépé - Giyan près de Nehavand, 1931—1932, pl. 10,7.

87— Idem, ibidem, p. 113, pl. 24.

۸۸- ح . صمدی : گزارشهای باستانشناسی ، سوم (۱۳۳۴/۱۹۵۵) ، صفحه ۱۲۹ ، شکل ۱۰

89— Pierre Amiet: Glyptique Mésopotamienne Ancienne, fig. 856,857,891,903.